

سرقت شعری

اینکه انسان شعری را از دیگری بگیرد و به خود نسبت دهد.

انواع آن

نسخ: هم لفظ و هم معنا

مسخ: برخی از الفاظ

سلیخ: فقط معنا

ملحقات آن

اقتباس

اینکه چیزی از قرآن یا حدیث را در نثر یا نظم خود بیاورد.

رجلوا فلسث مسائلاً عن دراهم أنا باخغ نفسی علی آثارهم

تضمین

اینکه شاعر بخشی از شعر مشهور دیگری را در کلام خود جای دهد.

عقد

به نظم کشیدن نثر

واستعمل الحلم و احفظ قول بارئنا سبحانه خلق الإنسان من عجل

حلّ

تبدیل نثر به نظم

تلمیح

اشاره به قصه ای معلوم یا شعری مشهور یا ضرب المثل

هل آمنكم علیه إلا كما أمئتكم علی أخیه من قبل

حسن الإبتداء

اینکه آغاز سخن، لطیف، آسان، بامعانی آشکار، مستقل از مابعد و مناسب با موقعیت باشد.

أحمد عوفی اذ عوفیت و الکرّم و ذاک عنک الی اعدائک السقم

تخلص

خروج و انتقال از معنایی که کلام با آن شروع شده، به سوی هدف و غرض مورد نظر

عَبّ التوی برفاقهم، فنشئتوا وقضى الزمان بینهم، فتبددوا

حسن الإنتها

اینکه متکلم، لفظ آخر سخنش را دلپذیر، ساختارش را نیکو و معنایش را درست قرار دهد.

بقیت بقاء الدهر یا کھف اهله و هذا دعاء للریة شامل

